

## سخن سردبیر

از زمانی که طوفان تجدد جهان را درنوردید و جهان اسلام را نیز از وزش بی‌امان خود بی‌بهره نگذاشت، همواره بحث‌ها و چالش‌های فراوانی پیش روی مسلمانان آشنا با تحولات جدید وجود داشته است و متفکران بسیاری، چه در عالم تشیع و چه در جهان تسنن، در واکنش به پرسش‌های گوناگونی که از این رویارویی اندیشه‌سوز برمی‌خاست و برمی‌خیزد، راهکارها و مواضع گوناگون و متفاوتی پیشنهاد کرده‌اند.

با وقوع انقلاب اسلامی و برقراری حکومت دینی در ایران، چالش‌های اندیشه و زیست‌مسلمانی در برابر تجدد در کشور ما رنگ تازه‌ای به خود گرفته و در چهار دهه پس از انقلاب، علاوه بر آنچه پیش از آن در عالم اسلام و نیز در ایران پیش و پس از مشروطه در این باره مطرح بوده است، بحث‌های فراوان و تازه‌تری در این باره پدید آورده است.

دانشگاه مفید که به همت مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی تأسیس شده است، در راستای عمل به رسالت خود و حرکت در راستای دغدغه ارزشمند آن عالم فقیه، شعار «پای در سنت، رو به آینده» را برای خود برگزیده است. این شعار گویای آن است که این دانشگاه می‌کوشد از منظر تعالیم حیات‌بخش دینی و به طور خاص مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، راهی برای برون‌رفت از گره فروبسته اندیشه و زیست‌انسان معاصر جستجو کند.

از سوی دیگر، در بین نشریاتی که به‌ویژه در چهار دهه اخیر در کشور ما منتشر شده، نشریه‌ای که به طور تخصصی و با رویکرد آکادمیک، مجموعه دیدگاه‌ها و رویکردها در باب نسبت دین و بویژه اسلام با دنیای معاصر را پوشش دهد و آنها را به بحث و بررسی بگذارد وجود نداشته و جای خالی چنین نشریه‌ای به وضوح احساس می‌شود. دو فصلنامه «دین و دنیای معاصر» با توجه به چنین چشم‌اندازی منتشر می‌شود.

اما شایسته است اندکی درباره این عنوان، یعنی «دین و دنیای معاصر»، توضیح داده شود تا دقیقاً هم برای خود ما و هم برای مخاطبان مجله و صاحب‌نظرانی که آرزو مندیم نشریه ما منعکس‌کننده پژوهش‌ها و دیدگاه‌های آنان باشد، روشن باشد که دنبال چه چیز هستیم.

ابتدا بد نیست بگوییم که پیش از تصویب عنوان «دین و دنیای معاصر»، عنوان «دین در دنیای معاصر» پیشنهاد شد. عنوان «دین در دنیای معاصر» را می‌توان چنین تفسیر کرد که ما مبانی نظری و ارزش‌های دوران جدید را پذیرفته‌ایم و اکنون می‌خواهیم جایگاه دین را در منظومه تفکر و زیست‌انسان در دنیای جدید بررسی کنیم. این نگاه شاید بیشتر به حوزه علوم و اندیشه اجتماعی بازگردد و چه بسا مباحثی مانند سکولاریسم و لائسیته در اینجاست که مجال ظهور یابند.

اما وقتی ترکیب «دین و دنیای معاصر» را به کار می‌بریم، گمان می‌کنیم از مقوله گسترده‌تری استفاده کرده‌ایم و میزبان اندیشه‌های بیشتری هستیم؛ زیرا نمی‌خواهیم بگوییم دنیای معاصر اهمیت و اولویت و اصالت دارد تا دین را در نسبت با آن بسنجیم؛ بلکه نظر بر این است که دو مفهوم «دین» و «دنیای معاصر» را به مثابه دو مفهوم مستقل چونان دو کفه ترازو در نظر بگیریم و نسبت آنها را با هم بسنجیم. در اینجا است که عمدتاً (و نه همیشه) وارد حوزه فلسفه یا الهیات شده‌ایم و با چنین رویکردی، دغدغه‌های فلسفی و الهیاتی اصالت و اولویت دارند. چرا؟ چون متفکر یا پژوهشگر از منظری فلسفی می‌خواهد ببیند از پنجره نگاه انسان جدید به عالم و آدم، تعالیم دینی چه وضعیت و منزلتی دارند یا از منظری الهیاتی در پی آن است که برای مسائل برخاسته از ذهن و ضمیر انسان درگیر (به مفهوم آگزیستانسیالیستی آن) با دنیای جدید چه پاسخی از منابع معرفتی دین می‌تواند استخراج و استنباط کند.

اما چرا قید «عمدتاً (و نه همیشه)» را افزودیم؟ این قید بیانگر این نکته است که دیدگاه‌ها و پژوهش‌ها را تنها به رویکرد فلسفی یا الهیاتی منحصر نکنیم و راه را بر سایر افق‌ها و چشم‌اندازهای فکری و پژوهشی نبندیم. بنابراین، مثلاً اگر پژوهش‌گری از منظر علوم اجتماعی بخواهد درباره کارکرد مناسک دینی در جهان جدید یا جایگاه مدارس قدیم علوم دینی در نظام آموزشی مدرن پژوهش کند، کار او نه فلسفی و نه الهیاتی است؛ اما پژوهش او باز هم می‌تواند در ذیل عنوان «دین و دنیای معاصر» قرار گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد مجموع جستارهای مرتبط با عنوان «دین و دنیای معاصر» را بتوان در این پنج محور، صورت‌بندی کرد: ۱

۱- باورهای دینی (به‌ویژه اسلامی) در برابر چالش‌های جهان معاصر: در ساحت باورهای دینی بطور عام و اعتقادات اسلامی بطور خاص، باورهایی مانند وجود خدا، صفات خدا، ارتباط خدا و جهان، دخالت خدا در طبیعت و تاریخ، مسئله خلقت و ارتباط آن با مباحث فیزیک جدید، مسئله معجزه، مسئله وحی و ارتباط خداوند با انسان و دخالت تشریحی او در ساماندهی زندگی فردی و جمعی انسانها، معاد و حیات پس از مرگ و مسائلی از این دست از موضوعاتی است که شایسته است صاحب‌نظران و عالمان مسلمان با توجه به چالش‌ها و مسائل جدید به آن بپردازند.

۲- دانش‌ها و روش‌های جدید و کاربرد آن‌ها در شناخت دین و فهم متون دینی (به ویژه اسلام): نمی‌توان از مواجهه دین با مسائل انسان جدید سخن گفت و از بحث بسیار مهم «روش» چشم پوشید. این از آن روست که دانش‌هایی مانند هرمنوتیک، زبان‌شناسی، معناشناسی، نسخه‌شناسی، مطالعات تطبیقی، ارزیابی تاریخی متون و انگاره‌ها و... در فهم دین و متون دینی در دنیای جدید اهمیت یافته‌اند و بحث درباره نسبت دین با دنیای معاصر، بدون توجه به این دانش‌ها و روش‌های نو، ابتر خواهد ماند.

---

۱. این فهرست قیاسی و مبتنی بر حصر منطقی نیست، بلکه استقرایی و گشوده است و می‌توان موارد دیگری را به آن افزود.

۳- ارتباط دین (به ویژه اسلام) با ساحت‌های دیگر اندیشه، دانش و زیست انسان جدید: یکی دیگر از وجوه نسبت دین و دنیای معاصر، ارتباط دین با ساحت‌های دیگر اندیشه، دانش و زیست انسان جدید است. مسائل مهمی چون نسبت دین و علم، نسبت دین و اخلاق، نسبت دین و سیاست، و نیز نسبت دین (به ویژه اسلام) با علوم انسانی جدید مانند حوزه‌های گوناگون فلسفه، اندیشه سیاسی، حقوق، اقتصاد، جامعه‌شناسی و... از مهم‌ترین بحث‌ها در این قسمت است.

۴- نسبت دین (به ویژه اسلام) و حوزه عمومی زیست انسانی در دنیای جدید: نسبت دین با حوزه‌های گوناگون و متنوع حیات اجتماعی انسان معاصر، از مسائلی است که انسان دیندار با آن مواجه است. به‌طور خاص، در ساحت زیست مسلمانی، مسائلی مانند نسبت شریعت و تحولات در زیست انسان جدید، جایگاه شریعت در زیست مسلمانی انسان جدید، امکان اجرای پاره‌ای از احکام فقهی چه در بخش عبادات و چه در بخش معاملات با توجه به اقتضات زندگی انسان معاصر، مسئله امکان برقراری حکومت دینی و مسائل مربوط به آن، همه و همه از مسائلی است که در ساحت زیست مسلمانی در دنیای معاصر قابل طرح و بحث است. اندیشه «سکولاریسم» و ابعاد گوناگون آن و مطالعه تطبیقی رویکرد ادیان در جهان معاصر در این مساله از همین چشم‌انداز شایسته بررسی است.

۵- دین (به ویژه اسلام) و بحران‌های انسان معاصر: بسیاری از متفکران جدید، زندگی انسان جدید را «بحران‌زده» می‌دانند و از بحران‌هایی چون محیط زیست، صلح و امنیت جهانی، سلطه تکنولوژی و علم جدید بر همه ابعاد حیات بشر و... سخن می‌گویند. ارزیابی نقش و کارکرد دین (به ویژه اسلام) در مواجهه با این بحران‌ها نیز زمینه ارزشمند دیگری برای تفکر و پژوهش ذیل عنوان «دین و دنیای معاصر» است.

در این بین، مسأله بغرنج «معناداری زندگی» در زندگی و اندیشه انسان جدید شاید بیش از سایر بحران‌ها شایسته تأکید باشد. از این منظر، موضوعاتی مانند نقش ادیان (به ویژه اسلام) در معنابخشی به حیات انسان معاصر، نسبت دین و معنویت‌های جدید، مقایسه تطبیقی دستاوردهای ادیان در این زمینه و... شایسته بررسی است.

با توجه به مجموع این بحث‌ها و رویکردها و ابعاد پیچیده و متنوع نسبت دین و انسان دیندار با دنیای معاصر و اقتضات آن، ما در این مجله در پی آن خواهیم بود که با رویکردی آکادمیک، دیدگاه‌های مختلف مربوط به این مسائل و چالش‌ها را منعکس کنیم و به گزارش، تحلیل و نقد آنها بپردازیم.

\*\*\*

اکنون مناسب است درباره مقالات این دو شماره و تناسب آن‌ها با این عنوان، اندکی سخن بگوییم. دانشگاه مفید پیش از این نشریه‌ای را با رویکرد عمدتاً قرآنی با عنوان «پرتو وحی» منتشر می‌کرد. این مجله در ۱۳ شماره منتشر شد و مقالات آن در سایت دانشگاه مفید در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. اما این مجله درجه علمی نداشت و به این منظور، با توجه به ضوابط جدید کمیسیون نشریات وزارت علوم، ناگزیر شد رویکردی تخصصی‌تر را پی بگیرد. از این رو پس از گفتگوها و رای‌زنی‌های فراوان، نهایتاً عنوان «دین و دنیای معاصر» مورد توافق قرار گرفت. اما این گزینش پس از آن بود که تعداد

قابل توجهی مقاله از نویسندگان و محققان ارجمند دریافت شده بود که بدون چشمداشت مادی یا معنوی، مقاله خود را برای مجله با تصور رویکرد قرآنی آن ارسال کرده بودند و مجله، متعهد بود مقالات آنان را منتشر کند. خوشبختانه برخی از این مقالات، کاملاً با عنوان و رویکرد جدید مجله ارتباط داشتند؛ اما مشکل درباره مقالاتی بود که ارتباط آشکاری با عنوان جدید نداشتند. در این باره چند راه وجود داشت:

۱. بازگرداندن این مقالات به نویسندگان محترم و آغاز رایزنی‌های طولانی و فرساینده برای دریافت مقالات جدید و مرتبط با عنوان تازه نشریه: روشن بود که این راه در آینده نزدیک نمی‌توانست به ثمر برسد.

۲. درخواست از نویسندگان مقالات نامرتبط برای بازنویسی مقاله طبق عنوان جدید: این راه هم اگر فرضاً برای برخی از مقالات امکان داشت، قابل تعمیم به همه آنها نبود.

۳. انتشار مقالات در دو شماره نخست نشریه در بخشی ویژه با عنوان «پرونده ویژه مقالات قرآنی»: در نهایت همین راه عاقلانه‌تر و بهینه‌تر به نظر رسید.

از این رو چنانکه پیداست، برخی از مقالات در این دو شماره به طور خاص قرآنی‌اند و با عنوان جدید مجله ارتباط آشکاری ندارند و در بخش دوم از هر دو شماره نخست، در کنار هم قرار گرفته‌اند. در عین حال، برخی از این مقالات از دغدغه‌ها یا روش‌های معاصرانه یکسره تهی نیستند. این نکته را در مرور مقالات نشان خواهیم داد.

امید است که رویکرد جدید و خاص مجله در پذیرش مقالات مرتبط با موضوع نسبت دین و دنیای جدید از شماره سوم این نشریه به نحوی جدی‌تر و سخت‌گیرانه‌تر پی گرفته شود.

\*\*\*

## مروری گذرا بر ۱۲ مقاله شماره نخست نشریه:

### بخش اول

۱- مقاله «الاهیات طبیعی شده، متافیزیک سبک و فیزیک سنگین: بررسی و نقد دین‌شناسی عبدالکریم سروش» که به قلم ابوالقاسم فنائی است، بر صدر مقالات شماره نخست نشسته است. این مقاله به نقد دین‌شناسی دکتر سروش اختصاص دارد. یکی از راه‌حل‌هایی که برای چالش‌های پیش‌روی دین در دنیای معاصر اندیشیده شده، طبیعی کردن الهیات یا دین، دین‌شناسی و دین‌داری است. به نظر فنائی، این راه حل روایت‌های گوناگونی دارد؛ اما روایت دکتر سروش از الهیات طبیعی شده با مشکلات جدی مواجه است؛ زیرا فاصله‌چندانی با انکار یکسره تبیین دینی از هستی ندارد.

چنان‌که پیداست، این مقاله با محور نخست از پنج محور مرتبط با عنوان «دین و دنیای معاصر» ارتباط دارد.

۲- حسین سلیمانی در مقاله «بازخوانی احکام کیفری قرآن در پرتو معیارهای محدودکننده» به این مسأله می‌پردازد که در قرآن، احکام کیفری اندکی وجود دارد. اما همین احکام را نیز با توجه به نگرش‌های جدید درباره مجازات و آثار آن،

می‌توان به نحوی منعطف‌تر تبیین کرد. روشن است که این مقاله، با محور چهارم از محورهای مرتبط با عنوان «دین و دنیای معاصر» انطباق دارد.

۳- در مقاله «واگرایی ساحت آیات قرآن از ساحت علوم تجربی» به قلم زهرا اخوان صراف، به یکی از مسائل مهم قرآن پژوهی معاصر، یعنی نسبت قرآن و علوم تجربی، پرداخته شده است. نویسنده در این مقاله می‌کوشد نشان دهد که ساحت قرآن از جهات گوناگون از ساحت علوم تجربی جداست و آنچه در دانش‌های تجربی رد یا اثبات می‌شود با سخن قرآن در یک افق قرار ندارد تا در صدد نفی یا تأیید آیه‌ای ناظر به پدیده‌های طبیعی باشد.

این مقاله با محور سوم از پنج محور مرتبط با عنوان «دین و دنیای معاصر» ارتباط دارد.

۴- «تحلیلی زبان‌شناختی - تاریخی از معنای «تحریف» در قرآن و روند تحول معنایی آن پس از قرآن» از محمدعلی طباطبایی (مهرداد) به این بحث می‌پردازد که انگاره تحریف عهدین در سنت اسلامی در خود قرآن شاهدهی ندارد و به تدریج در سنت اسلامی پدید آمده و تحریف در قرآن تنها به معنای تغییر معنایی است. این پژوهش متکی بر زبان‌شناسی تاریخی است و بنابراین، از روشی جدید در پژوهش در باب یک بحث قرآنی بهره می‌برد. از این جهت، می‌توان آن را با محور دوم از محورهای پنجگانه مربوط به عنوان «دین و دنیای معاصر» مطابق دانست.

۵- محمدعلی قاسمی در مقاله «مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی، بر اساس لایه‌های وجودی انسان» به بررسی چگونگی تأثیرگذاری معنادار قرآن کریم در پیدایش، بیان گزاره‌ها و گسترش دانش سیاسی اسلامی در سه حوزه کلام سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی می‌پردازد و این بررسی را از مسیر توجه به لایه‌های وجودی انسان از نگاه قرآن و تقسیم علوم بر این اساس انجام می‌دهد.

این مقاله را می‌توان به محور سوم از محورهای پنجگانه مرتبط با عنوان «دین و دنیای معاصر» مربوط دانست.

۶- مقاله «قرآن کریم و معیارهای جواز اعمال خشونت در اجتماع» به قلم کوثر حلال‌خور و ایرج گلجانی، به مفهوم «خشونت» و روایی یا ناروایی اعمال آن از منظر قرآن می‌پردازد و نویسندگان در صدد بررسی پاسخ به این پرسش‌اند که از نگاه قرآن، معیار جواز اعمال خشونت چیست.

این مقاله نیز با محور چهارم از پنج محور مرتبط با عنوان «دین و دنیای معاصر» ارتباط دارد.

## پرونده ویژه مقالات قرآنی

در این بخش، میزبان این شش مقاله خواهیم بود:

۱- امیر دیوانی در مقاله «منزلت قاعده تضمین در دانش تفسیر» درباره یک قاعده ادبی به نام «تضمین» و کاربرد آن در تفسیر قرآن سخن گفته است. مفسران در لابلای تفاسیر خود گاه به مناسبت درباره کاربرد این قاعده در یک آیه خاص سخن گفته‌اند؛ اما کاربرد تفسیری این قاعده تا کنون در پژوهشی مستقل به زبان فارسی مورد بررسی قرار نگرفته یا دست

کم ما از چنین پژوهشی اطلاع نداریم. نویسنده، در این مقاله به بررسی این قاعده پرداخته و مثال‌های مناسب و ارزشمندی از کاربرد این قاعده در فهم و تفسیر آیات ارائه کرده است.

۲- در مقاله «پژوهشی در معنای آیات اختلاف در قرآن»، محسن آرمین به مواردی از آیات قرآن می‌پردازد که از اختلاف درباره قرآن، کتاب یا تعالیم انبیا و نیز داوری الهی در باب این اختلاف سخن می‌گویند. او نشان می‌دهد که آنچه مفسران در این باره گفته‌اند چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد و در این باره باید معنای دیگری برای واژه «اختلاف» برگزید که با مشکلات آراء مفسران مواجه نباشد.

۳- سید محمد انتظام در مقاله «بررسی برداشت‌های فلسفی فیلسوفان مسلمان از آیه شریفه ۵۳ سوره فصلت» درباره تفسیر فلسفی از آیه ۵۳ سوره فصلت سخن می‌گوید و برداشت‌های فلسفی از دیدن آیات خدا در آفاق و انفس و دریافت «حق» بودن خدا از نگاه مفسران و به ویژه ملاصدرا را در نُه مورد و در ذیل پنج دسته بررسی و درباره آن‌ها داوری می‌کند.

۴- در مقاله «زبان قرآن در توصیف حب خداوند نسبت به محسنین»، اثر نفیسه مرادی و سیدمحمدعلی ایازی، ویژگی‌های محسنین در پنج آیه از قرآن که ابراز محبت از سوی خداوند به آنان صورت گرفته، مورد بررسی قرار گرفته است و نویسندگان به این پرسش می‌پردازند که مقصود از حب خداوند و ابراز محبت او نسبت به بندگانش و به‌ویژه محسنان چیست.

۵- نسبت دادن هدف یا غرض واحد به سوره‌های قرآن، از دغدغه‌های برخی از مفسران قدیم و جدید بوده است. محمد خامه‌گر در مقاله «قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا» می‌کوشد قواعدی کلی را در کشف غرض سوره‌های قرآن ارائه کند. او این قواعد را در بررسی سوره نبا به‌عنوان یک نمونه، به کار می‌بندد.

۶- برخی از دعا‌های انبیا در قرآن پرسش‌هایی بر می‌انگیزند؛ مثلاً پاره‌ای از این دعاها با عصمت انبیا ناسازگار به نظر می‌رسند. کاوس روحی برندق در مقاله «دعا‌های پیامبران (ع) در قرآن؛ چالش‌ها و تحلیل و نقد شبهات»، در صدد بررسی این پرسش‌ها و ارائه پاسخی درخور برای آن‌هاست.

\*\*\*

این، گزارشی از رویکرد نشریه «دین و دنیای معاصر» و مروری گذرا بر ۱۲ مقاله شماره نخست این نشریه بود.

دست‌اندرکاران نشریه به نویسندگان، متفکران و پژوهش‌گرانی که دغدغه نسبت دین با مسائل متنوع و رنگارنگ جهان جدید را به جان آزموده‌اند و درباره این دغدغه، از ژرفای اندیشه و جان به تأمل پرداخته‌اند درود و سپاس خواهند گفت و از آثار آنان جهت انتشار در این نشریه به گرمی استقبال خواهند کرد.

همتم بدرقه راه کن ای طائر قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم